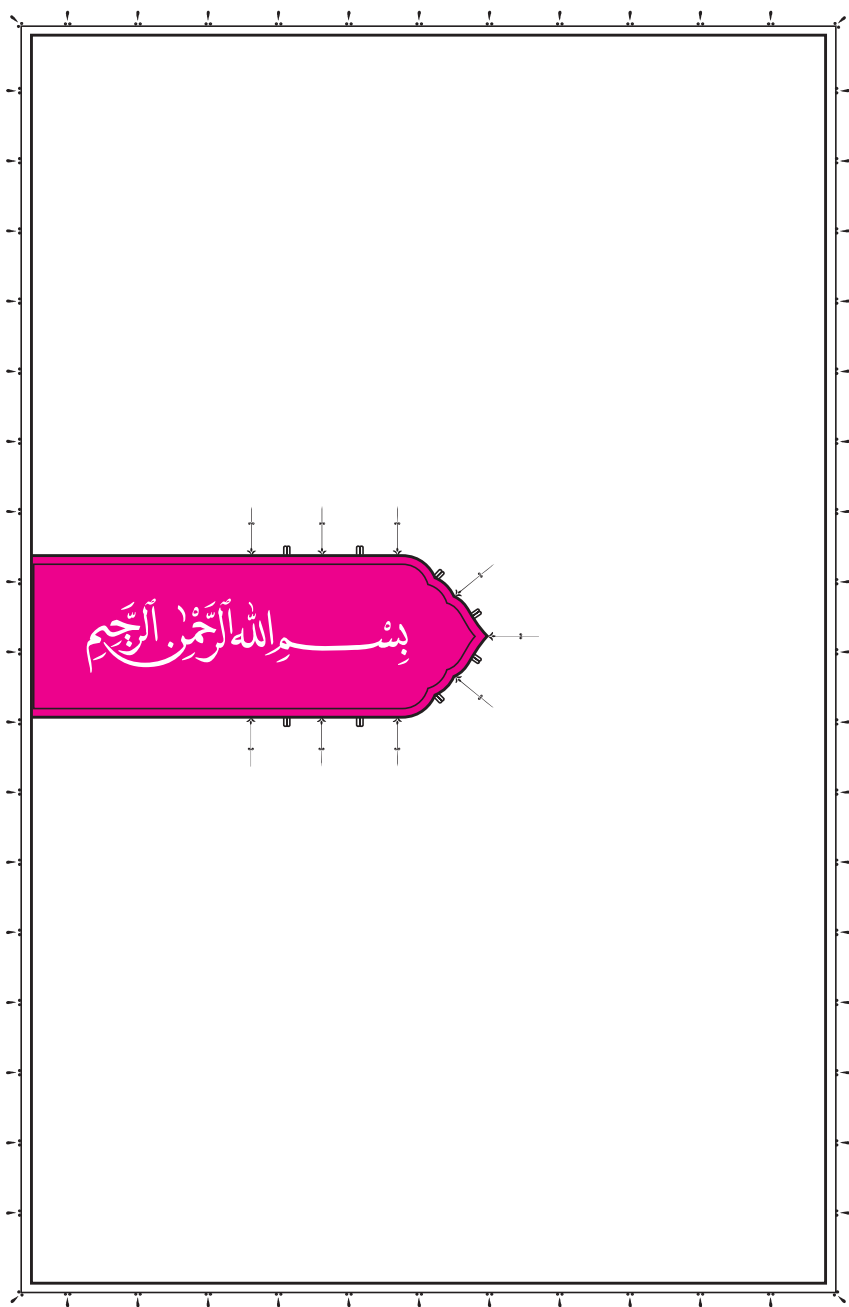
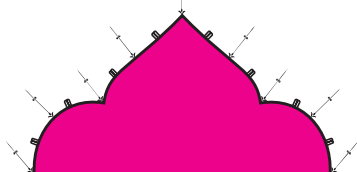




خِصَانُ الْعَبَّاسِيَّةِ

آيت الله محمد ابراهيم كلباسي نجفي



سرشناسه: کلباسی، محمدابراهیم، ۱۳۶۱ - ۱۳۱۶.
عنوان قراردادی: خصائص العباسیه، فارسی
عنوان و نام پدیدآور: خصائص العباسیه، زندگی نامه و ویژگی های قمر بنی هاشم علیه السلام
/ تألیف محمدابراهیم کلباسی نجفی؛ تلخیص و ویرایش مریم سادات میرفاطمی.
مشخصات نشر: قم: بوکتاب، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۲۰۴ ص.
شابک: ۹-۴۲۹-۱۹۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فایا
پادداشت: چاپ قبلی: قم: آرام دل، ۱۳۹۸.
پادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر: زندگی نامه و ویژگی های قمر بنی هاشم علیه السلام
موضوع: عباس بن علی (ع)، ۲۶ - ۶۱ ق.
شناسه افزوده: سالکی نیا، محمدعلی، ۱۳۳۵ - مترجم
رده بندی کنگره: BP ۴۲/۴
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳۷
شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۳۳۱۲۶



الخصائص العباسیه

تألیف: آیت الله محمدابراهیم کلباسی نجفی

ناشر: آرام دل

تلخیص و ویرایش: مریم سادات میرفاطمی

مدیر تولید: قاسم باقری

صفحه آرا: مهدی نحوی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپخانه: شمیم

صحافی: ولیعصر (عج)

شابک: ۹-۴۲۹-۱۹۹-۹۶۴-۹۷۸



مرکز بخش

تهران: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان

شهدای ژاندارمری، پاساژ کوثر، پلاک ۷

| تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۱۶۹۷-۹

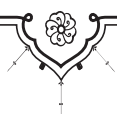
| سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۷۷۷

| www.Aramedel.ir

فهرست مطالب

۷	مقدمه مؤلف
۱۳	مقدمه
۴۹	فصل اول: ویژگی‌ها و امتیازات نسب و تبار حضرت ابوالفضل علیه السلام و ...
۵۱	فضیلت و ویژگی‌های پدر
۶۲	فضیلت و ویژگی‌های مادر
۶۸	برادران و خواهران
۷۰	فرزندان و نسل حضرت ابوالفضل علیه السلام
۷۷	فصل دوم: اسم و کنیه و القاب و مناقب و وجاهت حضرت ابوالفضل علیه السلام
۹۳	فصل سوم: فضیلت شجاعت و امتیاز و ویژگی شجاعت حضرت ابوالفضل علیه السلام
۱۰۹	فصل چهارم: فضائل و مقامات و مجاهدت شهدای کربلا و ...
۱۴۹	فصل پنجم: فضائل، علم و کمال حضرت ابوالفضل علیه السلام
۱۵۷	فصل ششم: مبارزه و شهادت حضرت ابوالفضل علیه السلام
۱۶۹	فصل هفتم: اعتبار باطنی و مقام برزخی حضرت ابوالفضل علیه السلام
۱۸۱	فصل هشتم: شهادت و محل دفن حضرت ابوالفضل علیه السلام و ...
۱۸۳	شهادت
۱۹۰	محل دفن
۱۹۶	راه‌های توسل به او

مقدمه مؤلف



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَصَّ بِالْبَلَاءِ مِنْ عِبَادِهِ الْأَصْفِيَاءِ وَ شَرَحَ صُدُورَنَا بِمَعْرِفَةِ
الْأَوْلِيَاءِ وَ مَحَبَّةِ الْأَزْكِیَاءِ وَ تَوَرَّ قُلُوبَنَا بِالْذُّمِّ وَ الْبُكَاءِ وَ تَفَضَّلَ عَلَيْنَا
بِالْجُودِ وَ السَّخَاءِ وَ الصَّلَوةِ وَ السَّلَامِ عَلَى مُحَمَّدٍ أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَ آلِهِ
النُّجَبَاءِ الثَّقَبَاءِ سَيِّمًا عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ وَ أَنْصَارِهِ الْمُجَاهِدِينَ
فِي الْبَيْدَاءِ الَّذِينَ لَمْ يَرْضَوْا بِمَكَائِدِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فِي طَاعَةِ رَبِّ السَّمَاءِ
حَتَّى رَمَلُوا الْوُجُوهَ بِالشَّرِّ وَ خَصَّبُوا الْلِّحَاءَ بِالْإِيمَانِ خُصُوصًا مَوْلَانَا أَبِي
الْفَضْلِ الْمُخَضَّبِ بِالْإِيمَانِ قُرَّةُ عَيْنِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْلِيَاءِ مُقَطَّعِ الْيَدَيْنِ وَ
الْأَعْضَاءِ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ بِدَوَامِ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ.

حمد و سپاس خدایی را که بلا و مصیبت را مختص بندگان خالص
و برگزیده خود گردانید و سینه‌های ما را با معرفت و شناخت اولیا
و دوستی و محبت پاکیزگان وسعت بخشید و دل‌هایمان را با اشک

و اندوه و گریه نورانی نمود و با سخاوت و بخشش خویش بر ما کرم فرمود و درود و سلام بر اشرف پیامبران حضرت محمد ﷺ و خاندان بزرگوار و پر فضیلتش، خصوصاً خامس آل عبا [حضرت اباعبدالله الحسین علیهما السلام] و یاران مجاهد و فدا کارش در بیابان [کربلا]، همانان که در مسیر اطاعت پروردگار آسمان فریب نیرنگ های شب و روز را نخورده و سرانجام گونه های خود را با خاک بیابان آغشته و محاسن خویش را به خون خود رنگین نمودند، علی الخصوص سرور و مولای آغشته به خونمان حضرت ابوالفضل علیهما السلام نور چشم انبیا و اولیا؛ هم او که دستان مبارکش را قطع کرده و اعضای مطهرش را بریدند و لعن و نفرین خدا بر دشمنانشان تا زمانی که آسمان و زمین باقی است.

و بعد چنین گوید غریق بحر معاصی محمد ابراهیم کلباسی، چون آثار پیری و ضعف در خود دیدم و قوای بدنی را در انحطاط و انکسار مشاهده نمودم و آفتاب عمر را در حوالی غروب یافتم با خود گفتم:

موی تو در روسیاهی شد سفید یعنی از ره قاصد مرگت رسید

و دیوان عملت از اعمال صالحه مقبوله به کلی خالی است و امید نجات به خود نداری، در چاه عمیق دنیا نگون سار و در بحر معاصی غوطه وری. نزدیک به یأس بودم که ناگاه از هاتف غیبی ندای لاریبی «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَسَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ نَجَّى»^۱ به گوش دل رسید و امید نجاتی برایم پدید آمد. باز دیدم تمسک و توسل به ذیل آل عصمت

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۴ (آل البیت)؛ همان، ج ۱۸، ص ۱۹ (اسلامیه). پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هر کس بدان تمسک و توسل جوید نجات خواهد یافت.»

و طهارت را شرایط و آداب و مجاهداتی هست که با این بی بضاعتی و گناهکاری و سلاسل و اغلال معاصی نتوان به ذیل اذیال آن ذوات مقدسه و انوار الهیه و صاحبان ولایت مطلقه ملکوتیه رسید و به این دست قاصر و قدم فاتر نتوان حلقه باب ولایت را گرفت و به قلعه محکمه آن وارد شد.

ای مگس عرصه‌ی سیمرغ نه جولانگه تست
عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری

مَا لِلتُّرَابِ وَ رَبِّ الْأَرْبَابِ

دست ما کوتاه و خرما بر نخیل و راهی به آن درگاه ندارم و در این اندیشه بودم که نداء غیبی و الهام ملکوتی به گوش دل رسید به مضمون: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيُّ بَابُهَا»^۱ من شهر علمم و علی درب آن است.» چنانچه قلعه نبوت را بابی است قلعه ولایت را نیز بابی است. هر کس بخواهد وارد قلعه ولایت و مودت آل عصمت شود باید از این در وارد شود و آن در بابُ الحوائج و بابُ قاضی الحاجات لِلنَّاسِ أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عليه السلام است.^۲ چنانچه قبول ولایت امیرالمؤمنین عليه السلام باب نبوت است و بدون قبول ولایت آن حضرت نتوان به شهر نبوت و حکمت محمدی وارد شد؛

۱. غایة المرام، ج ۵، ص ۲۳۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵۰.

۲. باب حاجت‌ها و برآورنده نیازهای مردم ابوالفضل العباس عليه السلام فرزند امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب عليه السلام است.

همچنین هر کس بخواهد وارد شهر ولایت و شهر محکم آن شود باید از در دوستی ابوالفضل علیه السلام وارد شود. چنانچه علی بن ابیطالب علیه السلام باب نبوت است، عباس بن علی علیه السلام هم باب ولایت است؛ و اُتُو الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا^۱. اگرچه شهر ولایت را درهای دیگر نیز هست همچون بابُ الْعَدْلِ، بابُ الصِّدْقِ، بابُ الْحَيَاءِ، بابُ الْحِكْمَةِ، بابُ التَّوَّاضُعِ و غیره و لکن این در اوسع و آیسر و آسهل ابواب^۲ است؛ چنانچه باب الحسین اوسع درهای بهشت است. پس با خود گفتم ای گم گشته وادی حیرت و ای فرومانده در راه آخرت بیا و به درگاه باب الحوائج و مظهر قاضی الحاجات دق الباب کن و به ذیل عنایت او تمسکی پیدا نما، شاید دستگیری نمایند و امید نجاتی برایت پدید آید. فلذا برای تمسک به حلقه باب مودت اهل بیت عصمت علیهم السلام و توسل به ذیل عنایت آن جناب با رجاء واثق عازم شدم با فهم قاصر و قلم کاسر کتابی در فضایل و خصایص آن حضرت بنویسم اگر چه:

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنی سر انگشت و صفحه بشماری

وَلَكِنَّ الْمَيَسُورَ لَا يُتْرَكُ بِالْمَعْسُورِ^۳ و آنکه هر کس را به قدر فهم و حوصله و ظرفیت خود به واسطه گفتن و شنیدن و نوشتن و دانستن مراتب

۱. بقره: ۱۸۹. برای رفتن به خانه ها از درب آن وارد شوید.

۲. اوسع: گشاده تر، وسیع تر؛ آیسر: راحت تر؛ آسهل: آسان تر.

۳. مجمع البحرين، ج ۴، ص ۵۷۸. موارد آسان را نباید به خاطر موارد سخت رها کرد.

کثیره و فضایل قفیره این خانواده کرم و سخا بهره و نصیبی است و
لِكُلِّ كَيْدٍ جَزَاءٌ أَجْرٌ.

اگرچه صاحبان کتب مفصله از کتب فضائل و مقاتل و تاریخ مدون و مبین نموده اند، شکر الله مساعیهم الحمید^۲ و لکن متفرق و متشتت و غیر مرتب است و احقر پس از احاطه به آنچه یافته ام از آن کتب مبسوط و سیر در کلمات مفصل و بیانات مطوله به انضمام مطالب لطیفه و تحقیقات شریفه راجع به مقامات آن جناب با نظر به این حدیث شریف منقوله در وافی:

«قال ابو عبدالله: أُكْتُبُ وَأُثْبِتُ عِلْمَكَ فِي إِخْوَانِكَ فَإِنْ مِتَّ فَأَوْرَثْتُ
كُتُبَكَ بَنِيكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجٌ لَا يَأْنِسُونَ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ»^۳
امام صادق علیه السلام فرمودند: علم و دانش خود را بنویس و آن را بین برادرانت منتشر ساز چرا که بعد از مرگت فرزندان کتاب های تو را به ارث خواهند برد و بر این مردم زمان پرفتنه و آشوبی خواهد آمد که جز با کتاب هایشان [با چیز دیگری] انس نخواهند گرفت.»

أَلْبَثُ النَّشْرُ فِيهِ إِشَارَةٌ إِلَى زَمَانٍ فَقَدِ أَهْلُ الْعِلْمِ^۴ رساله می نویسم

۱. حدائق الناظر، ج ۲۲، ص ۱۹۲؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۳۰. امام صادق علیه السلام : و برای هر جگر سوزانی پاداشی است.

۲. خداوند به تلاش های نیکویشان پاداش دهد.

۳. الوافی، ج ۱، ص ۲۳۶.

۴. امر به کتابت و انتشار علم در روایت فوق اشاره ای است به زمانی که در آن اهل علم کمیاب می شوند.

به طور مرتب و محبوب من دون اختصار مخل و لا اطناب
ممل و نامیدم آن را به وسیله للناس فی خصایص العباس
علیه السلام.^۱

اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِإِخْلَاصٍ وَفَّقْنَا مِنْ شُرُورِ النَّاسِ.^۲

۱. وسیله ای برای مردم برای دستیابی به ویژگی های حضرت عباس علیه السلام.

۲. خداوندا ما را در کسب اخلاص موفق و از آزار مردم شرور حفظ فرما.

مقدمه

واجب بودن محبت اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت ابوالفضل علیه السلام
 محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام واجب است و اختصاص به ائمه
 معصومین ندارد بلکه شامل همه فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و آله که مخالف
 ائمه نبوده اند می شود؛ به ویژه حضرت ابوالفضل علیه السلام که مطیع و
 منقاد ائمه طاهرین بلکه فانی در آنها بوده است.

خداوند در قرآن می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ
 فِي الْقُرْبَىٰ»؛ ای محمد به اهل ایمان بگو که من از شما برای
 تبلیغ احکام الهی مزدی و اجرتی برای خود نمی خواهم مگر
 دوستی خویشانم. «فریقین - شیعه و سنی - بر این اتفاق نظر
 دارند که مفاد آیه شریفه وجوب دوستی اهل بیت رسالت
 است که با آیات بسیاری از قرآن مجید نیز اثبات می شود.

در سوره های سبا آیه ۴۷؛ یونس آیه ۷۲؛ انعام آیه ۹۰؛ هود آیات ۳۱

و ۵۳؛ فرقان آیه ۵۹ و شعرا آیات ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴ و ۱۸۰ نیز بر این تأکید شده است.

«فِي الْمَجْمَعِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ إِلَىٰ آخِرِهِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ بِمُؤَلَاتِهِمْ قَالَ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَوَلَدُهُمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:»^۱ در مجمع از ابن عباس روایت کرده که گفت: چون آیه قل لا اسألکم ... نازل شد پرسیدند: یا رسول الله کیست اند آن کسانی که خداوند ما را به دوستی آنها امر کرده است؟ فرمود: علی و فاطمه و فرزندان آن دو علیه السلام.

در کتاب خصال از علی علیه السلام نقل شده:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ لَمْ يُحِبِّ عِتْرَتِي فَهُوَ لَا خَدِي تِلْكَ إِمَامٌ مُنَافِقٌ وَإِمَا لِرِزِيَّةٍ وَإِمَا حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ فِي غَيْرِ طَهْرٍ:» پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که عترت و فرزندان مرا دوست ندارد، یکی از این سه گروه است؛ منافق است، زنازاده است و یا مادر او در حال حیض به او آبستن شده است.»

صاحب تفسیر فخر در ذیل تفسیر آیه مبارکه گفته است:

«و انا اقول آل محمد هم الذين يؤول أمرهم اليه فكل من كان امرهم اليه اشد و اكمل كانوا هم الآل ولا شك ان فاطمه و عليا و الحسن و الحسين كان تعلق بينهم و بين رسول الله اشد التعلقات وهذا

۱. مجمع البیان، شیخ طبرسی، ج ۹، ص ۴۸.

۲. خصال، شیخ صدوق، ص ۱۱۰.

کالمعلوم بالنقل المتواتر: من می‌گویم آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کسانی‌اند که امورشان به دست حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ باشد پس تمام کسانی که بیشتر [از بقیه] و با اهمیت‌تر [از دیگران] امورشان به دست آن حضرت باشد آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ محسوب می‌شوند و در این شکی نیست که علاقه فراوان و اشتیاق شدیدی بین رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و حضرت فاطمه عَلِیْهَا السَّلَام و علی عَلِیْهِ السَّلَام و امام حسن عَلِیْهِ السَّلَام و امام حسین عَلِیْهِ السَّلَام بوده است و این مثل روز روشن است.»

صاحب تفسیر کشاف و فخر و غیر این دو احادیثی از پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این باره نقل کرده‌اند:

«الا من مات علی حب آل محمد مات شهیداً: آگاه باشید هر که با دوستی آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بمیرد شهید مرده است.»

«الا و من مات علی حب آل محمد مات مغفوراً: کسی که با دوستی آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بمیرد آمرزیده شده است.»

«الا و من مات علی حب آل محمد مات تائباً: کسی که با دوستی آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بمیرد با توبه مرده است.»

«الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمناً مستکمل الایمان: کسی که با دوستی آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بمیرد با کمال ایمان مؤمن

۱. تفسیر فخر رازی، ج ۲۷، ص ۱۶۶.

مرده است.»

«الا و من مات على حب آل محمد بشر ملك الموت بالجنة ثم منكر و نكير: کسی که با دوستی آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بمیرد فرشته مرگ و سپس نكير و منكر او را به بهشت بشارت می دهند.»

«الا و من مات على حب آل محمد يزف الى الجنة كما يزف العروس الى بيت زوجه: کسی که با دوستی آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بمیرد چون خرامیدن عروس به خانه شوهر به بهشت وارد می شود.»

«الا و من مات على حب آل محمد فتح صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ في قبره بابان الى الجنة: کسی که با دوستی آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بمیرد از قبرش دو در به بهشت گشوده می شود.»

«الا و من مات على حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة: کسی که با دوستی آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بمیرد خداوند قبر او را زیارتگاه ملائکه رحمت قرار می دهد.»

«الا و من مات على حب آل محمد مات على السنة و الجماعة: کسی که با دوستی آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بمیرد به طریقه سنت و جماعت از دنیا رفته است.»

«الا و من مات على بغض آل محمد جاء يوم القيمة مكتوباً بين عينيه آيس من رحمه الله: کسی که با دشمنی آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بمیرد، روز قیامت که محشور می شود بین دو چشم او نوشته

شده: ناامید از رحمت خدا.»

«الا و من مات علی بغض آل محمد مات کافراً: کسی که با دشمنی آل محمد ﷺ بمیرد کافر مرده است.»

«الا و من مات علی بغض آل محمد لم یشم رائحه الجنة: کسی که با دشمنی آل محمد ﷺ بمیرد بوی بهشت به مشامش نمی‌رسد.»^۱

در تفسیر بیضاوی از پیغمبر ﷺ نقل شده که فرمود:

«حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ أَظْلَمَ أَهْلَ بَيْتِي وَ أَذَانِي فِي عِثْرَتِي وَ مَنْ أَصْطَنَعَ صَنِيعَةً إِلَى أَحَدٍ مِنْ وَلَدِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ لَمْ يُجَازِهِ فَأَنَا أَجَازِيهِ: بهشت بر کسی که به اهل بیت من ظلم کند و خاندانم را بیازارد حرام شده است و هر کس در حق یکی از فرزندان عبدالمطلب نیکی کند و او پاداشش را ندهد پاداش او با من است.»^۲

در کتاب تذکرة العظیمیه شصت حدیث در فضائل فرزندان و سادات بنی‌الزهر و لزوم محبت ایشان نقل کرده‌ام که در سال ۱۳۴۶ ق چاپ شده است. در اینجا به ذکر چند حدیث دیگر اکتفا می‌کنم: میرسید علی همدانی در کتاب خود موسوم به المودة فی القربی از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود:

۱. تفسیر فخر رازی، ج ۷، ص ۴۰۵؛ تفسیر کشاف، زمخشری، ج ۲، ص ۳۳۹.

۲. تفسیر کشاف، زمخشری، ج ۳، ص ۴۰۲.

«أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا أَرْفَدَكُمْ مِنْ نِعْمَتِهِ وَ أَحِبُّوا نَحْبَ اللَّهِ وَ أَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي الْحَبِيِّ: خدا را به واسطه نعمت‌هایی که به شما داده دوست بدارید و مرا برای خدا دوست بدارید و اهل بیت مرا به خاطر من دوست بدارید.»^۱

و در روایت دیگر رسول خدا ﷺ فرموده است:

«أَنَا أَوَّلُ النَّاسِ شَأْنًا ثُمَّ عَلَى ثُمَّ ذُرِّيَّتِي ثُمَّ مُحِبُّونَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ لَا يُسْأَلُونَ عَنْ ذُنُوبِهِمْ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَالْمَحَبَّةِ: در میان مردم اولین شأن و رتبه برای من است، پس از من علی است و پس از او فرزندان من و بعد از ایشان دوستداران من که بی حساب داخل بهشت می‌شوند و به سبب معرفت و محبت ما از گناهانشان پرسش نمی‌شود.»^۲

ابن مسعود روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«یک روز دوستی آل محمد بهتر است از عبادت یک سال و هر که با دوستی ایشان بمیرد داخل بهشت می‌شود.»^۳

ابو محمد قمی در کتاب المسلسلات از حضرت رسول ﷺ روایت کرده که فرمود:

«مَنْ آذَى شَعْرَةً مِثِّي فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَ مَنْ آذَى اللَّهَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ مِثْلَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ: کسی که یک موی از

۱. المودة فی القربی، ص ۱۰.

۲. همان، ص ۱۲.

۳. همان، ص ۱۳.

مرا اذیت کند (یعنی کسی را که در خویشی و بستگی با آن حضرت به منزله مویی از بدن آن حضرت باشد) مرا اذیت کرده و کسی که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده و کسی که خدا را اذیت کند، لعنت خداوند که آسمان و زمین را از زیادی پر می‌کند بر اوست.»^۱

در کتاب صواعق المحرقة روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: «برای خداوند سه احترام هست که هر کس آنها را حفظ کند خداوند دین و دنیای او را حفظ می‌کند؛ حرمت اسلام، حرمت من و حرمت اهل بیت ﷺ من.»^۲

خلاصه مفاد این اخبار و نظایر آن لزوم دوستی با فرزندان آن حضرت است؛ خصوصاً دوستی با آن فرزندی که ایشان به آنها اظهار علاقه و محبت کرده‌اند؛ مثل حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) که امیر المؤمنین (علیه السلام) او را به زانویش می‌نشاند و می‌بوسید و به او اظهار علاقه می‌کرد^۳ و صدیقه طاهره (علیه السلام) چنان‌که مضمون روایت است فرمود:

«بس است دو دست فرزندم ابوالفضل برای شفاعت امت.»^۴

یکی از علمای مورد اعتماد نقل کرده است: شخصی از اهل کربلا

۱. المسلسلات، ج ۹۶، ص ۲۳۳، حدیث ۳۱ و ۳۲.

۲. صواعق المحرقة، ص ۲۳۳.

۳. زندگانی حضرت ابوالفضل (علیه السلام)، احمد صادقی اردستانی، ص ۳۷ و ۳۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۵.

۴. اسرار الشهادات، ج ۲، ص ۴۱۲.

حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) را روزی دو یا سه بار زیارت می کرد ولی ابوالفضل (علیه السلام) را هر ده روز یک بار زیارت می کرد. حضرت زهرا (علیه السلام) را در خواب دید و سلام کرد ولی آن مخدره از او روی برگرداند. گفت:

«سَيِّدَتِي مَا تَقْصِيرِي: بانوی من تقصیر من چیست؟»

فرمود:

«اسْتَفْلَأَكَ مِنْ زِيَارَةِ وَلَدِي: فرزند مرا کم زیارت کردی»

گفت:

روزی دو تا سه بار زیارتش می کنم. فرمود:

«نَعَمْ تَزُورُ وَلَدِي الْحُسَيْنَ هَكَذَا وَلَا تَزُورُ وَلَدِي الْعَبَّاسَ إِلَّا قَلِيلًا:

آری فرزندم حسین را این چنین زیارت می کنی ولی فرزندم

عباس را کمتر زیارت می کنی.»

حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) آن قدر به او علاقه داشت که مکرر

می فرمود:

«بِنَفْسِي أَنْتَ: ابوالفضل، جان من فدای تو باد.»

کسی که پیشوایان دین و سلاطین دنیا و آخرت آن قدر به او اظهار محبت و علاقمندی کنند، چگونه دوستی او بر مردمان لازم نباشد. لزوم دوستی ایشان به چند سبب است:

- اول: انتساب به امامان (علیهم السلام) و علاقمندی ایشان به او.
- دوم: مقامات بالا و ویژگی های شخصیتی ممتاز در علم، عمل، شجاعت، خوبرویی، مواسات، مساوات، اخوت، وفاداری،